

## تصیبات و اوکاهها

### رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد محکومیت متهم بجرم قتل بر اثر بی احتیاطی که موضوع بی احتیاطی تشخیص و رسیدگی نشده

ماده ۱۷۷ قانون مجازات

ماشین بشخص مقتول تردیدی در مجرمیت مشارالیه نیست و عمل ارتكابی از حیث مجازات منطبق با مندرجات ماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی است ( وسایر احکامیکه بر اثر اعتراض با استیناف صادر شده هر کدام حکم سابق خود را تأیید کرده اند بدون اینکه وارد مبحث شوند و معلوم است مادامیکه یکی از امور مذکور در ماده ۱۷۷ از بی احتیاطی و بی مبالائی غیره ثابت نشود مجرد ثبوت تضاد برای تحقق این جرم کافی نخواهد بود بنا بر این حکم مورد درخواست از جهت تضاد تحقیقات مخدوش است و با استناد به ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی به اتفاق آراء نقض

می شود.

کسی با اتهام کشتن کسی بر اثر بی احتیاطی در راندن اتومبیل نعت تعقیب واقع و در دادگاه جنحه و استیناف غیاباً و حضوراً بعنوان احراز جرم محکوم شده است. دیوان کشور شعبه [۲] در حکم شماره ۱۷۱۷-۳۰۷ و ۱۷۰۷ چنین رأی داده است:

از ملاحظه محتویات پرونده و احکامیکه در این باب صادر شده اشکالی در حکم مزبور هست و آن این است که صدور بی احتیاطی و غیره از متهم در هیچکدام از دادگاه ها مورد رسیدگی واقع نشده و دلیلی که برای محکومیت او ذکر شده فقط در حکم غیابی بدوی و باین بیان است ( نظر باینکه از محتویات پرونده مؤیداً با قاریب شخص مزبور در تضاد

### رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد سقوط دعوی استینافی از لحاظ عدم تعقیب مستأنف

ماده ۳۰۲ قانون آزمایش

است که با نظر خبره ها و موکلین تعیین وقت کنند و بدادگاه اعلام دارند. استدلال دادگاه بر اینکه دسترسی نداشتن به ملاقات خبره مانع از تعقیب قضیه از طرف مستأنف نیست صحیح نمیتواند بود چه تعقیب امر موکل بتوافق اشخاص متعدد بوده است و مادام که یأس از موافقت حاصل نشده است عدم تعقیب را نمیتوان صرفاً مستند به مستأنف دانست بنا بر این قرار میزنه منطبق با ماده ۳۰۲ نیست و بموجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش بانفاق آراء نقض میشود.

کسی در مرحله بدوی محکوم شده و استیناف خواسته و چون سه ماه تعقیب نگردید دادگاه استیناف طبق درخواست مستأنف علیه پس از اخطار به مستأنف و رسیدن لایحه بعنوان آنکه سه ماه بدون داشتن عنر موجه دعوی خود را تعقیب نکرده قرار سقوط دعوی را داده است - دیوان کشور شعبه [۳] در حکم شماره ۱۱۶۲ بتاريخ ۱۹ و ۱۷۰۵ چنین رأی داده است:

چون در جلسه توافق و کلاهی طرفین بر این بوده

### رای دیوان کشور بر نقض

در مورد تعیین مجازات بعنوان سقط جنین برای قاتل که مقتول او آبتن بوده

ماده ۱۸۰ و ۱۸۱ قانون مجازات

شعبه (۵) در حکم شماره ۸۹۸ - ۱۵۰۴۷ در قسمت اعدام و حبس با اعمال شاقه ابرام ولی در قسمت سقط جنین بعنوان آنکه فوت جنین در اثر فوت مادر مشمول هیچک از ماده های ۱۸۰ و ۱۸۱ استنادی نمیباشد حکم مورد استدعا را نقض کرده و چون جرم مستقلی شناخته ارجاع نکرده است.

کسی بانهام قتل عمدی زنی و بردن کوشواره او تحت تعقیب واقع و دادگاه جنائی با استناد ماده ۱۷۰ حکم با اعدام و برای سرقت کوشواره مقرون بآزار با استناد ماده ۲۲۳ به ۱۵ سال حبس با اعمال شاقه و برای سقط جنین با استناد ماده ۱۸۱ به سال حبس تأدیبی محکوم کرده - دیوان کشور

### رای دیوان کشور بر نقض

در مورد بکه از دادن تصدیق خود داری شده

ماده ۸۱ و ۸۲ قانون آزمایش و ماده ۷۰۹ قانون مدنی

رد کرده است - دیوان کشور شعبه (۱) در حکم شماره ۱۱۳۶ ۱۵۰۴۷ چنین رأی داده است :

با اینکه صدور ورقه اجرائیه و اعلان حراج اموال مستدعی تمیز در حکم اخذ وجه الضمان از مشارالیه است مشارالیه در طی عرض حال اعتراض تقاضای اعطاء تصدیق برای بدست آوردن گواهی نامه تأدیه وجه از اداره مالیه نموده بوده دادگاه مزبور برخلاف ماده ۸۱ و ۸۲ قانون آزمایش خودداری از دادن تصدیق کرده و حکم غیابی خود را تأیید نموده است بنابراین مقدمه حکم مزبور مخدوش و بموجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش بانفاق آراء منقوض است .

کسی بعنوان پرداخت پولیکه پابندان (ضامن) شده بوده به بدھکار مراجعه و مطالبه کرده و مدرک خود را ورقه اجرائیه و توقیف دارائی خود از طرف طلبکار قرار داده و چون دادگاه در پرداخت و رسیدن پول بطلبکار تردید کرده مدعی درخواست تصدیق نموده که از طرف طلبکار تصدیق دریافت طلب بیاورد - دادگاه بعنوان آنکه وکیل مدعی در لایحه خود نوشته که ( بمناسبت عملیات اجرائیه وجه ضمان در سلطه اجراء قرار گرفته و بمنزله وصول میباشد ) وجه مزبور را پرداخت نشده دانسته و غیاباً با استناد ماده ۷۰۹ قانون مدنی او را محکوم به بیحقی کرده و حضوراً بر اثر اعتراض درخواست او را راجع تصدیق برای اثبات پرداخت

### رای دیوان کشور بر ابرام

در مورد رد دادخواست استینافی متهم از قرار رد دعوی مدعی العموم

ماده ۳۴۳ و ۳۵۱ اصول محاکمات جزائی

دادگاه بدایت رسیدگی بدعوی مدعی العموم را متفرع بر انجام مقدماتی در اداره کمرک دانسته و راجع بمستأنف نقیاً و اثباتاً نسبت بانهام اظهار نظر نکرده و حکمی صادر نموده درخواست استینافی را بيمورد دانسته و رد کرده است - دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۱۲۶۶ - ۳۱۰۴۷ چنین رأی داده است :

کسی بانهام فاچاق تحت تعقیب واقع شده و دادگاه جنحه پس از رسیدگی رأی بدمد جواز تعقیب جزائی متهم مستقیماً از طرف مدعی العموم داده متهم از رأی مزبور استیناف خواسته - دادگاه استیناف درخواست رسیدگی استینافی را فرع بر صدور حکم در مرحله بدوی دانسته و در این مورد که

تقاضای مدعی العموم از طرف متهم قابل شکایت استیفاقی نخواهد بود و چون حق ابراد بحصول مرور زمان پس از تعقیب برای متهم باقیست فرض تضرری هم ندارد ثالثاً ماده ۳۵۱ قانون نامبرده در مقام بیان کسایت که از احکام قابل استیناف دادگاه جنحه حق استیناف داشته باشند و این امر موقوف بقابل استیناف بودن اصل حکم یا قرار است از طرف کسی که در مقام شکایت استیفاقی نسبت بآن حکم یا قرار برآمده است و هر چند نظر دادگاه استیناف بمنحصر دانستن حق شکایت متهم از احکام دادگاه جنحه بموردی که حکم از آن دادگاه درباره او صادر شده باشد صحیح نیست و متهم نسبت ببعضی از قرارهای قابل استیناف آن دادگاه هم که در قانون تصریح شده حق شکایت استیفاقی دارد لیکن چون شرح فوق نتیجه برقرار مورد درخواست تمیز اشکال مؤثر موجب نقض نظر نمیرسد بانفاق آراء ابرام میگردد.

### رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد جرم خلاف که بترك تعقیب مدعی خصوصی رسیدگی شده باشد  
ماده ۲۷۶ قانون مجازات

لذا حکم مزبور با استناد بماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی بانفاق آراء نقض میشود.  
و در حکم شماره ۱۲۳۷ - ۲۱/۵/۱۷ چنین رأی داده است:

(اعتراض مدعی عمومی استیناف که امور خلافی تماماً اموری هستند که جنبه عمومی آن مهم بوده و با گذشت مدعی خصوصی از تعقیب آن صرف نظر نمی شود و ارد نیست چه آنکه اولاً در تقسیم جرائم بسه نوع امور خلافی نیز داخل بوده و در امور خلافی نیز جرائمی موجود می باشد که تعقیب آن منوط بشکایت مدعی خصوصی و در صورت صرف نظر او تعقیب ترك خواهد شد که از جمله همین مورد است که فحش علنی واقع شده است و چون از سایر جهات نیز اشکالی بنظر نرسید حکم مورد استدعای تمیز بانفاق آراء ابرام میشود.)

اعتراض وکیل خواستار تمیز بر قرار دادگاه استیناف غرب دایر برد عرض حال استیفاقی موکل خود خلاصه آنکه (رأی دادگاه جنحه در این مورد اگر حکم تلفی نشود لا اقل قرار رد عرض حال مدعی العموم محسوب و طبق ماده ۳۴۳ قانون اصول محاکمات جزائی قابل استیناف بوده و چون از لحاظ تجویز تعقیب مع الواسطه خاصه با وجود مرور زمان نتیجه بر ضرر متهم است از طرف او نیز قابل شکایت استیفاقی میباشد و بعلاوه در ماده ۳۵۱ قانون مزبور بطور کلی برای متهم حق شکایت استیناف نسبت بآراء دادگاه جنحه مقرر شده و لذا قرار رد عرض حال استیفاقی مخالف قانون محسوب میشود) وارد نیست زیرا:

اولاً رأی دادگاه جنحه در این مورد حکم تلفی نمیشود ثانیاً - ماده ۳۴۳ استنادی فقط قرارهای قابل استیناف دادگاه جنحه را معین میکند و اصولاً قرار رد عرض حال و

کسی بانهام ضرب و فحاشی مورد تعقیب واقع و بواسطه ترك تعقیب از طرف مدعی خصوصی با استناد قسمت اخیر ماده ۱۷۳ و اینکه فحاشی مقدمه ضرب محسوب است در دادگاه جنحه تبرئه میشود - حکم مزبور در قسمت فحاشی در دادگاه استیناف فسخ و جرم مستقلی شناخته شده و بمجازات خلافی محکوم گردیده دیوان کشور شعبه (۵) در حکم شماره ۲۱۵۵/۲۰/۹۶ چنین رأی داده است:

«محکمه استیناف با توجه باینکه مدعی خصوصی از دعوی خود صرف نظر نموده و محکمه جنحه بهمین مناسبت در مرحله رسیدگی با اعتراض متهم بحکم غیابی حکم مزبور را در قسمت محکومیت مشارالیه بهشت روز حبس فسخ و او را قابل تعقیب جزائی ندانسته مقتضی بوده که در مورد بحث در محکمه استیناف نیز تحقیق کامل نماید که مدعی خصوصی از این حیث نیز از دعوی خود صرف نظر نموده یا خیر و چون عدم توجه باین موضوع مؤثر در حکم ممیز عنه است

## رأی دیوان کشور بر تقض

در موردیکه اخطار بشاکی برای توضیح قاطع مرور زمان شناخته نشده

### ماده ۵۱ قانون مجازات

تعقیبی محسوب میشود و نظر باینکه در این مورد مستنطق قضیه دستور احضار شاکی را داده و احضار نامه برای او فرستاده شده و این اقدام بر فرض جرم بودن عمل موضوع شکایت قاطع مرور زمان بوده است لذا حکم استینافی دایر بتأیید قرار مستنطق مبنی بر حصول مرور زمان با استناد مؤثر ندانستن اقدام مزبور مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض می شود.

کسی بانتهام بیرون کردن رعابای کس دیگر ازده مورد تعقیب واقع و بازپرس مورد را مشمول مرور زمان دانسته و قرار منع تعقیب داده بر اثر اختلاف با مدعی العموم دادگاه استیناف قرار بازپرس را تأیید کرده - دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۱۲۴۳ - ۲۹ ر ۱۷۵ چنین رأی داده است :

نظر باینکه احضار شاکی برای اخذ توضیحات لازمه در اطراف شکایت جزائی بمنظور تعقیب متهم بالنتیجه قدام

## رأی دیوان کشور بر صلاحیت دادگاه اداری

در مورد اتهام یاسبان بگرفتن رشوه کمتر از ۲۰۰ ریال

جزء ۴ قانون متمم دیوانجزا - قانون مرجع دادرسی مأمورین شهربانی و نام نشان

جزا مصوب آن ۱۳۰۸ جرم ارتشاء که دفعتمآ واقع شده و بیست تومان یا کمتر است یا بدفعات ارتکاب و مجموع آن بیست تومان یا کمتر باشد در محکمه اداری رسیدگی میشود و آن محکمه اجازه داده شده که بمجازات مقرر در آن جزء حکم بدهد و نظر باینکه قانون مرجع محاکمه مأمورین نظمی و سجد احوال مصوب ۱۳۰۹ ر ۲۳۰ که تعقیب جزائی مأمورین مزبور را در مورد اختلاس و ارتشاء و بعض جرائم دیگر بمحاکم نظامی محول میکند ناظر بمواردی است که قبل از آن قانون در محاکم جزائی میباشد رسیدگی میشد نه هر ارتشائی یا هر اختلاسی ولو اینکه رسیدگی بآن از صلاحیت محاکم اداری باشد بنابراین نظریه مستنطق دیوان حرب مبنی بر صلاحیت محکمه اداری در این مورد صحیح است و باتفاق آراء تأیید میشود .

بکنفر یاسبان بانتهام گرفتن ده ریال رشوه از سلطانی مورد تعقیب واقع و بازپرس دادگستری با استناد آنکه بر فرض صحت اتهام این عمل بسبب انجام وظیفه بوده قرار عدم صلاحیت خود و صلاحیت دیوانجزا صادر کرده بازپرس دیوانجزا با استناد آنکه مداخله یاسبان در موضوع نزاع بر حسب مأموریت و وظیفه بوده قرار عدم صلاحیت خود و صلاحیت دیوان حرب صادر کرده - بازپرس دیوان حرب با استناد جزء ۴ متمم قانون دیوانجزا که ارتشاء کمتر از ۲۰۰ ریال از صلاحیت دادگاه اداری است قرار عدم صلاحیت خود را صادر کرده و تمام قرارها با موافقت مدعی العموم بوده - پرونده ها برای حل اختلاف بدیوان کشور فرستاده شده - شعبه (۲) دیوان مزبور در حکم شماره ۱۲۳۱ - ۲۹ ر ۱۷۵ چنین رأی داده است :

(نظر باینکه طبق جزء ۴ از قانون متمم قانون دیوان

## رأی دیوان کشور بر تقض

در مورد دعوی مطالبه خسارت بعنوان شمول مرور زمان

### ماده ۳۸ قانون تسریع

کسی با استناد حکمی که برفع او صادر شده بوده در دادگاه

بدایت از محکوم علیه مطالبه خسارت کرده محکوم علیه ابراه

مرور زمان کرده با استناد ماده ۳۸ قانون تسریع دادگاه بدایت ایراد را قبول کرده \*

محکوم علیه استیناف داده دادگاه استیناف از لحاظ اینکه مطالبه خسارت بطور کلی و بدون تعیین مقدار و مبلغ و کم و کیف خسارات در موقع جریان دعوی اصلی مطالبه قانونی محسوب نیست اعتراض مستأنف را رد و قرار بدوی را تأیید کرده .

دیوان کشور شعبه (۱) در حکم شماره ۱۱۳۳-۱۳۰۱۳۰۱۷۵  
چنین رأی داده است :

( مستند دادگاه استیناف در رد اعتراض استینافی مستدعیان تمیز اینست که در خواست خسارات از طرف مشارالیهم در ضمن جریان دعوی اصلی بطور کلی و بدون

تعیین مقدار و مبلغ بوده و این نحوه درخواست مطالبه قانونی محسوب نمیشود و این نظریه صحیح نیست چه آنکه مطالبه خسارت محاکمه در جریان دعوی ولو بتعبیر کلی باشد کافی است که دادگاه در اثر آن وارد رسیدگی و تشخیص میزان خسارت قانونی محاکمه شده و رأی مقتضی را صادر نماید و در صورت عدم صدور حکم نسبت بآن هم محکوم له میتواند بوسیله عرض حال جداگانه بخواهد در هر حال بدرخواست خسارت مدعیان در ضمن محاکمه اصلی آثار مطالبه قانونی مترتب بوده است و دلیلی برای لزوم تعیین کم و کیف آن نیست بنا بر این رأی دادگاه استیناف در تأیید قرار صادر از بدایت مخدوش و بموجب ماده ۳۴۳ قانون آزمایش با اتفاق آراء منقوض است )

### رأی دیوان کشور بر نقض

در موردی که صلح در نزد مستنطق با استناد ماده ۴۶ و ۴۸ قانون ثبت سند شناخته نشده

ماده ۱۱۷ قانون ثبت و ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی

( قسمتی از استدلال دادگاه جنائی دو تبرئه متهم دایر بعدم اطلاق سند بر ورقه که حاکی از وقوع صلح بین او و مدعی خصوصی نسبت بمقداری از رقبات مورد دعوی در نزد مستنطق تنظیم شده مخدوش است زیرا اطلاق سند بر اوراق معاملات فقط از جهت استفاده از آن در ادارات دولتی و محاکم نیست و بنوشتهجات غیر رسمی نیز که طبق مقررات قانون ثبت اسناد میبایست ثبت رسیده باشد سند عادی اطلاق میشود و منحصر دانستن حکم ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد در مورد اسناد عادی بهمان اسنادیکه قبل از اجباری شدن ثبت معاملات تنظیم شده (چنانکه دادگاه جنائی تصور کرده) بر خلاف اطلاق وعموم ماده مزبوره است)

کسی بانتهام اینکه بدو بواسطه درخواست ثبت ملک دیگری مورد تعقیب جزائی واقع شده بوده و در نزد مستنطق بامدعی خصوصی نسبت بمقداری از ملک صلح کرده و بعداً بموجب سند رسمی همان مورد صلح را بدیگری انتقال داده مجدداً تحت تعقیب جزائی راق و دادگاه جنائی از نظر آنکه پس از اجراء ماده ۴۶ و ۴۸ قانون ثبت اسناد طبق ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی سند نوشته است که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد و بنا بر این برای تکراره اوراق اطلاق سند نمیشود متهم را تبرئه کرده است \*

دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۱۱۴۹ بتاریخ ۱۷۵۱۹  
چنین رأی داده است :

## رأی دیوان کشور برابر

در مورد دادخواست اعتراض بر حکم غیابی که بدفتر دادگاه محل اقامت داده شده

ماده ۲۵۴ قانون آزمایش

( اعتراض مستدعیه تمیز بقرار تمیز عنه بخلاصه اینکه معترض عرضحال بحکم غیابی راهم می تواند بنزدیکترین محل دادگاه محل اقامت خود تسلیم نماید غیر وارد است چه عرضحال اعتراض در مدت قانونی باید بدادگاه صادرکننده حکم تسلیم شود و چون عرضحال اعتراض مشارالیه در خارج از مهلت قانونی بدادگاه استیناف رسیده قابل قبول نبوده و قرار مورد استدعای تمیز بانفاق اراء ممبرم است )

کسی در مرحله استینافی بحکم غیابی محکوم شده پس از ابلاغ حکم در موعد مقرر دادخواست اعتراض بر حکم غیابی را بدفتر دادگاه محل اقامت خود داده و در خارج از موعد بدفتر دادگاه صادرکننده حکم غیابی رسیده \* دادگاه نامبرده بعنوان خروج از موعد دادخواست باطل رد کرده است \* دیوان کشور شعبه (۳) در حکم شماره ۱۱۶۱ بتاریخ ۱۷۵۹ چنین رأی داده است:

## رأی دیوان کشور برابر

در موردی که حد اقل مجازات اعدام حبس موقت با مشقت باشد

ماده ۲۰ و ۲۷ و ۴۴ و ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی

این قسمت خالی از اشکال نیست چه دادگاه مزبور حد اقل مجازات اعدام را حبس دائم با اعمال شاقه دانسته و بنسب این نظر با احراز موجبات تخفیف متهم را به ۵ سال حبس با اعمال شاقه محکوم نموده در صورتیکه این تشخیص ( حد اقل مجازات اعدام حبس دائم با اعمال شاقه می باشد ) مستند قانونی ندارد و بطوریکه از طرف مدعی العموم استیناف اشعار گردیده ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی و سایر مواد مربوطه بتخفیف مجازاتهای جنائی که اجازه داده است دادگاه جنائی در مقام تخفیف مجازات اعدام را بحبس دائم یا موقت با اعمال شاقه تنزل دهد نمیتواند در مورد تشخیص حد اقل مجازات ملاک و مستند واقع شود و بر حسب مستنبط از ذیل ماده ۲۰ قانون مزبور حد اقل مجازات اعدام در نظر مقنن حبس موقت با اعمال شاقه میباشد و مجازات مزبور در مورد تخفیف طبق شق ۳ از ماده ۴۴ آن قانون بحبس مجرد یا بحبس تأدیبی

کسی با اتهام شرکت در قتل عمدی بارعایت ماده ۴۴ به ۵ سال حبس با مشقت محکوم شده - مدعی العموم تمیز خواسته \* شعبه ۲ - دیوان کشور در حکم شماره ۱۱۵۴ بتاریخ ۱۷۵۹ چنین رأی داده است : ( اعتراض مدعی العموم استیناف در قسمت محکومیت متهم شرکت در قتل عمدی بدین مضمون ] در قانون حد اقل و اکثر برای اعدام پیش بینی نشده و فقط در مورد تخفیف است که دادگاه میتواند با استفاده از ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی مجازات اعدام را بحبس دائم یا موقت با اعمال شاقه تبدیل کند و استناد دادگاه بعد اقل اعدام در مورد تخفیف مجازات مجوز قانونی نداشته ] هر چند از جهتی که مورد اعتراض واقع شد ( نبودن حد اقل برای مجازات اعدام ) غیر وارد است لیکن نظر دادگاه جنائی در

که کمتر از دو سال نباشد ممکن است تبدیل شود ولی در این مورد چون بر حسب تشخیص دادگاه جنائی متهم مرتکب دو جرم شده (شرکت در قتل عمدی - سرقت) و طبق ماده ۲ از مواد الحاقی با اصول محاکمات جزائی با رعایت ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی در مقام تخفیف

نیز مجازات او همان حبس موقت با اعمال شاقه بوده که دادگاه در حکم خود معین کرده لذا بالتبجیه اشکال مزبور از موجب نقض بشمار نمیرود و حکم مورد درخواست تمیز با اتفاق آراء ابرام میگردد]

### رای دیوان کشور بر نقض

در موردی که با وجود عدم ثبوت اتهام از لحاظ آنکه تنه‌امدعی العموم بعنوان تشدید مجازات استیناف خواسته حکم بدوی تأیید شده

ماده ۳۴۸ و ۳۵۳ و ۳۵۹ اصول محاکمات جزائی

موضوع شکایت استینافی مدعی العموم بدایت بوده خودداری کرده و در عین حال که عقیده بر عدم کفایت دلایل برای ثبوت اتهام داشته بوسیله تأیید حکم بدوی حکم مجازات متهمان را صادر کرده در صورتیکه پس از طرح امر جزائی در مرحله استینافی اگر چه فقط در اثر شکایت مدعی العموم باشد اصولاً دادگاه استیناف بموجب روح ماده ۳۴۸ قانون اصول محاکمات جزائی حق داشته داخل در ماهیت شده و برای اصدار حکم مجازات و تبرئه متهم که منتهی با حراز تقصیر و عدم تقصیر او میباشد طبق مواد ۳۵۳ و ۳۵۹ قانون اصول محاکمات جزائی خود وارد رسیدگی شده چنانچه متهم را مقصر تشخیص داد راجع بتقاضای مدعی العموم بدایت از جهة عدم تناسب مجازات متهمان اعمال نظر و در صورت عدم ثبوت جرم متهمان حکم تبرئه آنان را صادر کنند و از این حیث حکم مورد درخواست مخالف اصول و موازین قضائی بشمار میرود و بموجب ماده ۴۳۰ اصول فوق‌الذکر نقض میشود (۰)

دو نفر با اتهام توهین بی‌اسباب طبق ماده ۱۶۲ در دادگاه جنحه محکوم بهشت روز حبس تأدیبی شده و مدعی العموم از کمی مجازات استیناف داده دادگاه نامبرده اتهام انتسابی را مقرون بدلیل مثبت ندانسته ولی از نظر اینکه متهمان استیناف نخواستند و با اینوصف ورود در این موضوع موقعیت نداشته و طبعاً و قهراً موردی برای تشدید مجازات نیست حکم بدوی را تأیید کرده است \*

مدعی العموم از کمی مجازات تمیز خواسته \*

دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۱۵۰۸ -

۳۰۶۷۱۷ چنین رأی داده است :

( حکم استینافی مورد درخواست تمیز مخالف اصول

صادر شده چه دادگاه صادر کننده حکم با استناد اینکه دلایل موجوده کافی برای ثبوت تقصیر متهمان نیست از لحاظ این که مشارالیهما نسبت بحکم بدوی استیناف نخواستند و بدون احراز صدور عمل انتسابی از آنان از تشدید مجازات صکه

### رای دادگاه استیناف بر فسخ قرار رد دادخواست

در مورد ایراد بصلاحیت دادگاه از لحاظ طرح بودن همین دعوی در دادگاه دیگر

ماده (۱) و (۷) قانون تسریع

(صرف نظر از اینکه تشخیص محکمه ابتدائی در باب اتحاد دو دعوی صحیح بوده یا نه که قرار محکمه بر اثر ایراد مدعی علیه در این زمینه صادر شده چون لازمه قبول ایراد مزبور اصدار قرار رد عرض حال بر حسب مستفاد از ماده استنادی محکمه نبوده قرار رد عرض حال مورد نداشته و بنابراین قرار مزور فسخ و پرونده بدوی بمحکمه ابتدائی عودت داده می‌شود)

کسی بعنوان اعتراض بعد ملک بر کسی اقامه دعوی کرده مدعی علیه بعنوان آنکه قبلاً همین اعتراض از طرف او بمدعی شده و در دادگاه دیگر تحت رسیدگی است ایراد کرده -

دادگاه بدایت ایراد را موجه دانسته و با استناد ماده (۱)

قانون تسریع قرار رد دادخواست مدعی را داده \*

دادگاه استیناف در حکم شماره ۱۵۰۸ و ۳۸۱۴ تاریخ

۱۸/۱/۱۶ چنین رأی داده است:

## رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد محکومیت متهمی که تبرئه شده و مطالبه خسارت از مدعی خصوصی کرده بوده

ماده ۲۶۳ و ۴۰۵ اصول محاکمات جزائی

کسی بانتهام گناهی بر اثر شکایت مدعی خصوصی تحت تعقیب واقع و پس از طی مراحل سه گانه تبرئه شده و مدعی خصوصی هم بدادگاه حقوق رهبری شده بود - سپس از مدعی خصوصی مطالبه خسارت دعوی جزائی کرده - دادگاه بدایت حکم بیحقی مدعی را داده و دادگاه استیناف از لحاظ آنکه دادگاه جنحه نسبت بدعوی خصوصی حکم وقراری صادر نکرده بلکه او را بدادگاه حقوق رهبری کرده و حکم بخسارت طبق ترفه وزارتی در مورد حق وکالت بادادگاه صادر کننده حکم یا قرار است و بعداً هم مدعی خصوصی دعوی خود را در مراحل حقوقی جریان داده و صرف تقدیم دادخواست مدعی خصوصی بدادگاه جنحه که منتهی بحکم یاقراری نشود کافی برای مطالبه خسارت حق الوکاله نیست وقرار رجوع بدادگاه حقوقی هم قرار نیست که مشمول قرارهای مقرر در ترفه وزارتی راجع بحق الوکاله باشد تا نسبت بخسارت تصمیمی اتخاذ گردد حکم بدوی را تأیید کرده است - دیوان کشور شعبه (۱) در حکم شماره ۱۱۵۶ بتاريخ ۱۷ ر ۱۷۵۰ چنین رأی داده است :

« مدعی به مستدعی تمیز طق شرح عرض حال بدوی

دو قسمت بوده یکی مبلغ ۰۰۰ ریال بابت حق الوکاله مربوطه بدعوی ضرر و زیان مدعی خصوصی و دومی مبلغ ۰۰۰ ریال بابت حق الوکاله دعوی جزائی چون از دادگاه جزا نسبت به دعوی مدعی خصوصی از حیث ضرر و زیان حکم صادر نشده و احاله بدادگاه حقوقی گردیده استدلال دادگاه استیناف در قسمت اول صحیح است ولیکن در قسمت دوم چون حکم تبرئه متهم صدور یافته و بر حسب اظهار متهم سبب جلب متهم بمحاکمه و تعقیب او در دادگاه جزا مدعی خصوصی بوده و او محاکمه بطرفیت مدعی العموم جریان یافته است بر طبق مفاد ماده ۲۶۳ و ماده ۴۰۵ اصول محاکمات جزائی و اصول کلی متهم که تبرئه حاصل نمود میتواند خسارت محاکمه جزائی را از مدعی خصوصی در صورت سببیت او برای اتهام و اقامه دعوی جزائی مطالبه نماید لذا نظریه دادگاه بدایت در حکم به بیحقی مدعی باینکه مدافعات مدعی در مقابل دعوی مدعی العموم در مراحل ثلاثه بوده تا منتهی بصدور رأی به تبرئه گردیده مخدوش و حکم دادگاه استیناف بر تأیید آن در این قسمت صحیح نبوده و لذا بموجب شق دوم ماده ۳۴۰ قانون آزمایش با اتفاق آراء نقض میشود . . . »

## رأی دیوان کشور بر نقض

راجع بحکم پرداخت خسارت از طرف فروشنده در مورد معامله خیاری با فرض اینکه مبیع ملک دیگری باشد

ماده ۳۳ قانون ثبت اسناد

آنکه : حکم باشتغال ذمه با بیع نسبت بوجوهی بابت اصل و خسارات تأثیری در حق وارد ثالث ندارد و با فرض اینکه ثالث مالك مبیع بوده باشد این معنی مؤثر در فراغ ذمه با بیع نخواهد بود و تنها در صورت استیفاء دین با بیع از محل ملك ثالث حق اعتراض دارد - دعوی را رد کرده است .  
دیوان کشور شعبه (۴) در حکم شماره ۱۷۳۱ - ۲۵ ر ۱۷ چنین رأی داده است :

کسی باستناد ورقه معامله خیاری مطالبه بون ملك از انتقال دهنده کرده و دادگاه بدایت حکم بپرداخت ثمن معامله را داده است و در مرحله استینافی کسی بعنوان ثالث از لحاظ مالکیت و تصرف نسبت بمورد معامله وارد دعوی شده - دادگاه استیناف بدین استدلال که با فرض اینکه مبیع در تصرف غیر هم باشد این معنی تأثیری در فراغ ذمه مستأنف نخواهد داشت - حکم بدوی را تأیید کرده و دعوی ثالث را بعنوان



چون بر تقدیر اینکه رسیدگی بصحت معامله شرطی از جهت مالک بودن مدعی علیه نسبت بمورد معامله یا شخص ثالث در محکومیت مدعی علیه با داء اصل وجه معامله تأثیر نداشته باشد نسبت بمال الصلح منافع و خسارت تأخیر نادیه مؤثر است چه در صورت تمام نبودن معامله خسارت تأخیر تأدیه تابع

مقررات راجعه بمعاملات شرطی نخواهد بود بنا بر این محکوم کردن مدعی علیه بتأدیه خسارت بر طبق مقررات راجعه بمعاملات شرطی بدون رسیدگی بصحت معامله شرطی صحیح نبوده لذا حکم مورد شکایت بموجب ماده ۳۴۰ اصول محاکمات اصلاحی نقض میشود.

### رای دیوان کشور بر ابرام

در مورد چک که از لحاظ قانونی نبودن آن در حکم حواله عادی شناخته شده

ماده ۳۱۰ و ۲۴۹ قانون تجارت

کسی باستناد چک نکول شده که نسبت بآن واخواهی بعمل آمده بر صادر کننده آن طرح دعوی نموده و دادگاه بدایت مدعی علیه را محکوم بپرداخت وجه چک نموده ولی دادگاه استیناف حکم بدوی را فسخ و چنین رأی داده است (نظر باینکه مدعی بعنوان اینکه مستند دعوی چک و از اوراق و اسناد تجاری است و حق مراجعه بصادر کننده دارد بمدعی علیه مراجعه و اقامه دعوی نموده و نظر باینکه مطابق ماده ۳۱۰ قانون تجارت صدور نوشته از تاجر بعنوان چک وقتی چک محسوب و احکام و آثار قانونی چک بر آن مترتب میشود که صادر کننده در موقع صدور آن ورقه نزد محال علیه وجه و اعتباری داشته باشد و در این مورد از طرف محال علیه

اشعار شده که مدعی علیه وجهی نزد تجارخانه مزبور ندارد و دلیلی هم برخلاف اشعار مزبور از طرف مدعی اقامه نشده است از این جهت نوشته مزبور از اسناد عادی غیر تجاری محسوب و در حکم حواله عادی تشخیص میشود و چون محال علیه تقبل پرداخت نکرده و حواله هم مستقیماً از طرف مدعی علیه بمنفعت مدعی نشده (چون مدعی خریدار چک از دیگری بوده) لذا مراجعه بمدعی علیه بيمورد و مدعی محکوم است به بیحقی) - شعبه (۱) دیوان کشور در حکم شماره ۱۴۹۰ - ۱۳۱۳۶۱۳ حکم نامبرده را بعنوان آنکه طبق ماده ۳۱۰ قانون تجارت نمیتوان ورقه مدرکی را چک رسمی دانست تا احکام برات طبق ماده ۲۴۹ بر آن جاری شود ابرام کرده است.

### رای دیوان کشور بر ابرام

در مورد حکم برفع ید انتقال گیرنده از مبيع شرطی

ماده ۳۸ قانون ثبت و ماده (۴۱) و (۲) قانون اصلاح ثبت مصوب دیماه ۱۳۱۲

انتقال دهنده ملکی بعنوان بیع شرط بر درخواست ثبت انتقال گیرنده اعتراض کرده دادگاه بدایت پس از رسیدگی حکم برفع ید انتقال گیرنده داده و ضمناً بمدعی علیه حق داده که یول معامله خیاری را از مدعی مطالبه کند - دادگاه استیناف بر اثر درخواست استینافی از طرف محکوم علیه پس از رسیدگی چنین رأی داده (حکم مستأنف عنه بی اشکال است چه آنکه از تاریخ گذشتن حق استرداد تا تاریخ اقامه

دعوی پنجسال نگذشته و بموجب ماده اول قانون اصلاح قانون ثبت اسناد مورخه ۳۱۲ خریدار حقی نسبت بعین ملک ندارد و اعتراض دیگر مستأنفین بر حکم بدایت خلاصه اینکه دادگاه مکلف بوده با اصدار حکم بر علیه آنها نسبت بعین مدعی را راجع بضمن معامله بیع شرطی و خسارات آن ضمن همین دعوی محکوم نماید نیز با ملاحظه ماده دوم قانون اصلاح قانون ثبت اسناد مصوب دیماه ۳۱۲

۱۶-۶-۱۷ چنین رأی داده اند:

اعتراض مستدعی تمیز باینکه معامله خانه مورد دعوی قبل از قانون فعلی بوده و قانون جدید عطف بما سبق نمیشود وارد نیست زیرا ماده ۳۸ قانون ثبت اسناد مصوب ۳۱۰ تکلیف انتقالی را که قبل از اجرای قانون مذکور واقع شده باشد معین کرده و چون اشکال دیگری نیز که مؤثر و موجب نقض باشد در حکم مورد شکایت بنظر نمیرسد لذا حکم مزبور باتفاق آراء مبرم است)

وارد نمیشود چه آنکه بموجب این ماده فقط در موردیکه از طرف انتقال گیرنده عین مورد معامله مطالبه شده باشد دادگاههای عدلیه مکلفند حکم برد اصل وجه و متفرعات آن صادر نمایند و در این مورد از طرف انتقال دهنده اقامه دعوی شده و مشمول این ماده نمیشود و اصولاً هم در دعوی اقامه شده از طرف مدعی که حقانیت او نسبت بمدعی به محرز گردیده محکوم نمودن او بموضوع دیگر که مورد دعوی نبوده جایز نمیشود بنا بر این حکم بدایت صحیح بوده و تأیید میشود (شعبه ۴) دیوان کشور در حکم شماره ۱۴۶۷ - بتاریخ

### رأی دادگاه استیناف برفسخ

در موردیکه عدم قید انحصار دلیل در فادخواست از نواقص آن بشمار ورود

ماده ۱۸ و ۵ قانون آزمایش

داشته مخدوش و بیمورد است .

زیرا از فقرات مذکوره در شق ۲ از ماده ۱۸ فقره ۷ از ماده ۵ است که از نکات مقرر در عرض حال میباشد آنچه از قسمت مزبور و سایر مقررات مربوطه بتشریفات عرض حال مستفاد و مستنبط می شود همان ذکر ادله مثبتة دعوی در عرض حال است و عدم ذکر کلمه انحصار مدرک عرض حال با ذکر ادله مثبتة از نواقص بشمار نمیرود و همان ذکر ادله کافی است بنا برین قرار مستأنف عنه فسخ میشود که محکمه بدوی مطابق قانون اقدام لازم را در جری عرض حال بعمل بیاورد)

کسی دادخواست اعتراض بثبت بدادگاه بدایت تقدیم و دفتر دادگاه نامبرده از لحاظ عدم قید انحصار ادله در دادخواست اخطار رفع نواقص کرده و چون در موعد مقرر رفع نشده دادخواست مدعی رد شده .

دادگاه استیناف در حکم شماره ۸۲۳ بتاریخ ۱۸/۱۱/۱۶ چنین رأی داده است :

(چون استدلال محکمه بدوی در صدور قرار مستأنف عنه باینکه با اخطار دفتر در جزو نواقص عرایض باید انحصار مدرک هم قید نماید ننموده و از نواقص عرض حال محسوب

### رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد جعل در سند رسمی که از لحاظ عدم قصد اضرار بدیگری متهم تبرئه شده

ماده ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون مجازات

است متصور نیست جعل تحقق نیافته است مخدوش و مستند قانونی ندارد زیرا قطع نظر از اینکه اضرار باشد خاص قانوناً از ارکان و شرایط تحقق جعل بشمار می رود یا نه در این موضوع ورقه مورد دعوی جعل پروانه رسمی دولتی است و در این قبیل اوراق وصف اضرار یعنی شرط و رکن اصلی جعل اصولاً محسوب نخواهد شد بنا بر مراتب مذکوره حکم ممیز عنه از جهت فوق الاشعار مخالف با قانون و نقض میشود...

کسی با اتهام جعل در ورقه پروانه رسمی که مبلغ آنرا تغییر داده تحت تعقیب واقع و دادگاه جنائی از لحاظ اینکه قصد اضرار بدیگری در موضوع متصور نیست متهم را تبرئه کرده - دیوان کشور شعبه ۵ در حکم شماره ۱۲۶۹ - ۳۱/۵/۱۷ چنین رأی داده است :

(استدلال دادگاه بر براءت متهم منحصر آ این است که چون در قضیه اضرار بغیر که یکی از ارکان جعل محسوب

## رأی دیوان کشور بر تقض

در مورد بیکه حکم غیابی ثانوی نیز بواسطه گذشتن یکسال بی اثر شناخته شود

ماده ۲۶۴ قانون آزمایش

« دادگاه استیناف از ماده ۲۶۴ قانون آزمایش استفاده عموم کرده و اثرات مترتبه بر حکم غیابی اول را شامل حکم غیابی ثانوی نیز دانسته است و باینجهت عدم تعقیب ورقه اجرائیه را در زاید بر یکسال رافع قطعیت حکم غیابی ثانوی تشخیص کرده در صورتیکه این استنباط موجه بنظر نمیرسد زیرا مستنبط از کلیه مواد راجعه (بحکم غیابی و اعتراضی) که در مبحث هفتم قانون آزمایش ذکر شده و سیاق مواد مبحث مزبور آنست که ماده ۲۶۴ ناظر بحکم غیابی اول است و شامل حکم غیابی ثانوی نمیباشد بنابراین بموجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش حکم مورد استدعای تمیز با اتفاق آراء منقوض است. »

کسی بموجب دو حکم غیابی در دعوائی محکوم له واقع شده و دادگاه استیناف از جهت آنکه پس از صدور حکم غیابی ثانوی و صدور ورقه اجرائیه محکوم له بیش از یکسال درخواست اجرای حکم را تعقیب نکرده و بهمین مناسبت دادگاه صادرکننده حکم و اجراء برای اجراء حکم نامبرده حاضر نشده و او را مکلف بتجدید عرضحال کرده اند مورد را مشمول ماده ۲۶۴ قانون آزمایش دانسته و حکم مورد اعتراض را فسخ کرده است.

دیوان کشور شعبه (۱) در حکم شماره ۱۵۲۲ -

۲۹/۶/۱۷۲۹ چنین رأی داده است :

## رأی دیوان کشور بر ابرام

در مورد رد عرضحال استینافی از لحاظ آنکه دستوریکه پارکه داده درخواست استینافی بشمار نمیرود

ماده ۳۴۹ اصلاحی اصول محاکمات جزائی

دیوان کشور شعبه (۵) در حکم شماره ۱۷۴۲-۳۰/۷/۱۷۲۹ چنین رأی داده است :

[ اعتراض مدعی عمومی استیناف اینست که مفاد عبارت نوشته شده پایان حکم از طرف مدعی عمومی بدایت همان تقاضای رسیدگی استینافی بوده است و وارد نیست چه آنکه عبارت مزبوره فقط دلالت دارد که دفتر دستور او را انجام دهد تا بعداً تقاضای رسیدگی استینافی بعمل آورد و این دستور کافی نخواهد بود بنا بر این قرار مورد استدعای تمیز با اتفاق آراء ابرام میشود. ]

کسی با اتهام سرقت تحت تعقیب واقع و بعنوان مرور زمان تبرئه شده مدعی العموم در پایان رأی دادگاه جنحه مینویسد (دفتر با عاده رونوشت حکم پرونده را تحت جریان گذارید که تقاضای رسیدگی استینافی گردد) و پس از هفده روز شکایت استینافی نوشته و به دفتر دادگاه استیناف فرستاده -

دادگاه نامبرده درخواست مدعی العموم را بعنوان خروج از موعد رد کرده - مدعی العموم استیناف تمیز خواسته -